

از ثبت نام اینترنتی تا صف های کافی نت؛
چرا بار افزایش مبلغ کالا برگ بردوش مردم افتاد؟

کالا برگ با طعم ناکارآمدی

■ سهم مردم از افزایش رقم کالا برگ
صف و سردرگمی است

■ دولت پزشکیان باز هم در یک آزمون ملی
دیگر مردود شد

دولت پزشکیان که پس از ۹ ماه حذف ارزش جویی و افزایش چند برابری قیمت کالاهای اساسی، منت نهاده و قرار است ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان به مبلغ کالا برگ اضافه کند، این اقدام را با اعمال شاقه به مردم تحمیل کرده و موجب سرگردانی مردم در سراسر کشوری دو روز اخیر شده است.



نسخه ظریف: خلع سلاح دیپلماسی

در حالی که سفرای آمریکا در منطقه یازو فرماندهان نظامی بوده اند یا سابقه امنیتی دارند، محمد جواد ظریف برخی سفرای ایران از نیروهای سپاه قدس حمله کرد.

نام	کشور و سمت	دوره	سابقه نظامی
جان ابی زید	سفیر آمریکا در عربستان سعودی	۲۰۲۱ - ۲۰۱۹	ژنرال چهارستاره؛ فرمانده سنتکام
کارل آیکنبری	سفیر آمریکا در افغانستان	۲۰۱۱ - ۲۰۰۹	سپهبد؛ ۳۵ سال خدمت در ارتش
رونالد نیومن	سفیر آمریکا در بحرین	۲۰۰۴ - ۲۰۰۱	فرمانده سابق نظامی
رونالد نیومن	سفیر آمریکا در افغانستان	۲۰۰۷ - ۲۰۰۵	فرمانده سابق نظامی
آنتونی زینی	نماینده ویژه آمریکا در پرونده اختلافات خلیج فارس	۲۰۱۹	فرمانده پیشین سنتکام



شأن مردم در جریان افزایش کالا برگ با فرم خوداظهاری حفظ شود

عضو هیات رئیسه مجلس گفت: دولت بارها متعهد شده مبلغ کالا برگ را متناسب با تورم افزایش دهد اما نباید این کار را منوط به پر کردن فرم خوداظهاری کند و باید منزلت آنها حفظ شود.

حجت الاسلام علیرضا سلیمی گفت: دولت از ابتدای اجرای طرح کالا برگ بارها متعهد شده که مبلغ کالا برگ را متناسب با تورم افزایش دهد و عنوان کرده که اعتبارات لازم را برای اجرای این طرح ندارد، اما پس از افزایش نرخ سهمیه بنزین از ۵ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان در هر لیتر، اعلام کرده که درآمد حاصل از این بخش را برای افزایش مبلغ کالا برگ هزینه خواهد کرد.

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان اینکه اعتبار حاصل از افزایش قیمت سهمیه بنزین، هرچقدر که باشد، باید برای افزایش مبلغ کالا برگ هزینه شود، اظهار کرد: جامعه هدف برای افزایش مبلغ کالا برگ مشخص است و دولت اطلاعات لازم را درباره این جامعه در اختیار دارد؛ لذا منوط کردن افزایش مبلغ کالا برگ به پر کردن فرم خوداظهاری، باید با حفظ شأن ملت باشد.

وی افزود: بسیاری از افراد جامعه هدف افزایش مبلغ کالا برگ، سالخوردگان یا معلولانی هستند که در روستاها و مناطق دورافتاده زندگی می کنند و شرایط جسمی و توان فنی لازم برای دسترسی به کافی نت و پر کردن فرم خوداظهاری را ندارند.

حجت الاسلام سلیمی همچنین با بیان اینکه منوط کردن افزایش مبلغ کالا برگ به پر کردن فرم خوداظهاری با کرامت مردم ایران سازگاری ندارد و اقدام صحیحی نیست، ابراز داشت: علاوه بر این، دولت در حالی افزایش مبلغ کالا برگ را به پر کردن فرم خوداظهاری منوط کرده که هیچ زیرساخت فنی مناسبی برای آن پیش بینی نکرده است.

نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در پایان با بیان اینکه به خاطر زیرساخت فنی ضعیف، امکان دسترسی مردم به سایت برای پر کردن فرم خوداظهاری وجود ندارد و این موضوع باعث بروز مشکل در این زمینه شده است، خاطرنشان کرد: این قبیل اقدامات دولت نه تنها کمکی به افشار آسیب پذیری نمی کند، بلکه باعث بی اعتمادی مردم نیز خواهد شد.





سهام عدالت نباید به نام مردم و به کام سرمایه داران تمام شود

نایب رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس با تاکید بر ضرورت صیانت از سهام عدالت به عنوان بستری برای مردمی سازی اقتصاد، گفت: مجلس در ماه های اخیر با ورود جدی و نظارتی به موضوع سهام عدالت، مانع از اتخاذ تصمیمات شتاب زده درباره این سهام شد و هم زمان اصلاح و تکمیل قانون اصل ۴۴ برای تقویت ساختار سهام عدالت را در دستور کار قرار داده است.

روح الله ایزد خواه با اشاره به اقدامات مجلس در زمینه اعمال مدیریت صحیح در بستر سهام عدالت و ضرورت قانون گذاری در این بخش، گفت: سهام عدالت یک طرح بی نظیر است که با هدف متعالی مردمی سازی اقتصاد بنا شده و می توان آن را میراث اقتصادی امام شهید دانست که هدف آن ایجاد مالکیت و مدیریت مردمی در بخش مهمی از اقتصاد، یعنی شرکت های بزرگ دولتی است.

نایب رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت در مجلس افزود: همه ما موظف هستیم نهایت صیانت را از این میراث اقتصادی داشته باشیم و اجازه ندهیم به آن لطمه وارد شده، تضعیف باز بین برود. نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، پردیس و اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: از سال ۱۳۹۹ تغییراتی در روند سهام عدالت آغاز شد که ما معتقدیم در مسیر تضعیف این سهام قرار داشت. این روند از دولت آقای روحانی در سال ۱۳۹۹ آغاز شد و در دولت شهید رئیس موقوف ماند و متأسفانه در آن سه سال فرصت نشد اشکالات موجود برطرف و سهام عدالت تقویت شود.

ورود قاطع مجلس به موضوع سهام عدالت

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در دولت فعلی نیز شاهد بودیم همان مسیر دولت های قبل، به شکل دیگری در حال پیگیری است؛ از این جهت مجلس قاطعانه وارد موضوع شد و در ابتدا فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت را با حضور حدود ۳۰ تا ۳۵ نفر از نمایندگان تشکیل دادیم و به سرعت اقدامات نظارتی آغاز کردیم. از سویی دیگر تاکنون چهار کمیسیون اقتصادی، اجتماعی، ویژه حمایت از تولید و اصل ۹۰ به موضوع سهام عدالت ورود کرده اند و فراکسیون سهام عدالت هم نیز با جدیت موضوع را دنبال کرد.

مجلس در برابر تصمیم شتاب زده درباره سهام عدالت ایستاد

ایزد خواه گفت: علاوه بر آن، دولت بنا داشت در قالب مصوبه ای که در شورای عالی بورس به تصویب رسیده بود، ترتیباتی را در حوزه سهام عدالت ایجاد کند که از نظر ما قانون اصل ۴۴ در آن نقض شده بود و این ترتیبات این شائبه را ایجاد می کرد که ساختار سهام عدالت تضعیف شده و به تدریج طی چند سال از بین برود. وی افزود: نگرانی ما این بود که سهامداران عدالت به تدریج سهام خود را بفروشند و در نهایت این سهام به دست سرمایه داران بزرگ بیفتد؛ در حالی که هدف اصلی از ایجاد سهام عدالت، جلوگیری از تمرکز مالکیت و مدیریت اقتصادی و ایجاد مالکیت مردمی بود و نباید به وضعیتی برسیم که به نام مردم و به کام سرمایه داران بزرگ تمام شود. نایب رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس اظهار کرد: ما با تشکیل کمیته ای متشکل از چند رئیس کمیسیون، هیات رئیسه فراکسیون به ریاست آقای نیکزاد، وزیر اقتصاد، رئیس سازمان بورس و چند مقام دیگر دولتی، موضوع را در دستور کار قرار دادیم و تقریباً تمام تابستان را به صورت نظارتی به این موضوع پرداختیم. سهام عدالت نباید به نام مردم و به کام سرمایه داران تمام شود/منفعت سهام عدالت فقط سود سالانه نیست؛ مالکیت مردم باید حفظ شود

وی اقدام نظارتی مجلس درباره سهام عدالت

به با اشاره به اقدامات نظارتی هم زمان مجلس در موضوع سهام عدالت، گفت: هم اکنون چند اقدام نظارتی در زمینه سهام عدالت، به صورت هم زمان در مجلس در حال پیگیری است؛ نخست، سؤال از وزیر اقتصاد است که بنده آن را مطرح کرده ام و در کمیسیون اقتصادی در دست بررسی است. ایزد خواه ادامه داد: دوم، گزارش نظارتی ماده ۴۵ است که توسط کمیسیون ویژه حمایت از تولید در دست تهیه قرار دارد و ما نیز در این زمینه مشارکت و همکاری داریم. سوم، طرح تحقیق و تفحص از سهام عدالت در طول ۲۰ سال اخیر است که در کمیسیون اجتماعی در دست بررسی قرار دارد. این نماینده مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در شش سال تجربه نمایندگی، شاهد بودم که مجلس به این موضوع به جد ورود کرد. خوشبختانه تا این لحظه مجلس مانع شد که دولت تصمیمی شتاب زده بگیرد و بخواهد نمادهای سهام عدالت را به صورت یک طرفه در بورس باز کند. لذا در شرایط تورمی، این مسئله می توانست این خطر را داشته باشد که مردم بدون اطلاع کافی از ابعاد و کم و کیف موضوع، سهام خود را به فروش برسانند که مجلس مانع این اتفاق شد.

اصلاح قانون اصل ۴۴ برای ماندگاری مردم در سهام عدالت

عضو کمیسیون اقتصاد مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به اقدامات مجلس برای اصلاح قانون، گفت: اکنون در حال کار روی اصلاح و تکمیل قانون اصل ۴۴ هستیم تا ساختار سهام عدالت تقویت شود، ماندگاری مردم در سهام عدالت که خود یکی از اهداف توسعه این طرح است، محقق شود و امکان بهره مندی سهامداران از تمام منافع سهام عدالت فراهم شود. لذا منافع سهام عدالت فقط سود سالانه آن نیست؛ حتی می توان گفت سود سالانه کوچک ترین و ناچیزترین منفعت سهام عدالت است. اصل منفعت سهام عدالت، مالکیت و دارایی است که در شرایط تورمی به نفع مردم است. مردم مالک بنگاه های بزرگ و سودآور اقتصادی هستند و این مالکیت می تواند منافع آتی و آینده ای برای آنها داشته باشد و با اتکا به آن کارهای بزرگی انجام شود. نایب رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس خاطرنشان کرد: هدف ما این است که نخست، اجازه ندهیم این ساختار از هم گسسته شود و دوم، بتوانیم منافع بزرگ تری را برای سهامداران عدالت فراهم کنیم. در همین زمینه اصلاح و تکمیل قانون اصل ۴۴ را دنبال می کنیم و امیدواریم این موضوع با اولویت در دستور کار صحن مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.



کالابرگ با طعم ناکارآمدی

- سهم مردم از افزایش رقم کالابرگ صف و سردرگمی است
- دولت پزشکیان باز هم در یک آزمون ملی دیگر مردود شد

گزارش

دولت پزشکیان که پس از ۹ ماه حذف ارز ترجیحی و افزایش چند برابری قیمت کالاهای اساسی، منت نهاده و قرار است ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان به مبلغ کالابرگ بپردازد، این اقدام را با اعمال شاقه به مردم تحمیل کرده و موجب سرگردانی مردم در سراسر کشور طی دوروز اخیر شده است، دولت چهاردهم در حالی از افزایش اعتبار کالابرگ با هدف حمایت از معیشت خانوارها سخن می گوید که نخستین گام اجرایی این طرح، یعنی ثبت درخواست مردم در سامانه دولت من، با اختلال مواجه شده است؛ وضعیتی که دسترسی متقاضیان به سامانه را با مشکل روبه رو کرد و ضرورت مراجعه حضوری برای ثبت درخواست را در کانون توجه قرار داد.

مراجرا از آتجا آغاز شد که سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد افزایش اعتبار کالابرگ برای حدود ۴۰ میلیون نفر، معادل ۱۸ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار، منوط به تکمیل فرم خوداظهاری و ثبت درخواست از سوی سرپرستان خانوار است. در همین اطلاعیه، مهلت ثبت نام تا ساعت ۲۴ روز سه شنبه ۲۱ مهرماه تعیین شد؛ ضرب الاجلی که در کنار مشکلات دسترسی به سامانه، نگرانی متقاضیان را درباره در دست دادن فرصت ثبت درخواست افزایش داد. به این ترتیب، طرحی که قرار است بخشی از فشار معیشتی مردم را کاهش دهد، در مرحله ثبت درخواست با

پرسش هایی جدی درباره آمادگی زیرساخت های اجرایی دولت مواجه شده است؛ چرا پیش از اعلام فراخوانی با این حجم از مخاطب، ظرفیت سامانه بررسی نشد؟ چرا مسیر جایگزین روشنی برای همه متقاضیان در نظر گرفته نشده بود؟ و چرا مردم باید برای بهره مندی از یک حمایت معیشتی، درگیر خطای سامانه، مراجعه مکرر و نگرانی از پایان مهلت شوند؟

از ثبت نام اینترنتی تا صف های کافی نت: چرا بار اجرای طرح بردوش مردم افتاد؟

یکی از نشانه های ضعف در طراحی و اجرای سیاست های حمایتی، آن است که دولت پیش از فراهم کردن مقدمات لازم، مردم را به انجام یک فرایند اداری فراخواند و پس از بروز مشکل، به فکر راه حل جایگزین بیفتد. در مجاری افزایش کالابرگ نیز گزارش های منتشرشده از اختلال سامانه و مراجعه برخی متقاضیان به کافی نت ها حکایت داشت؛ مراجعاتی که برای شماری از مردم، به جای ثبت موفق درخواست، به اتلاف وقت و سرگردانی انجامید. در چنین شرایطی، خانواده هایی که برای افزایش اعتبار خرید کالاهای اساسی چشم انتظار تصمیم دولت هستند، نباید هزینه ناهماهنگی میان دستگاه های اجرایی و ضعف احتمالی زیرساخت های فنی را بپردازند. وقتی دولت برای اجرای طرحی با جامعه هدف حدود ۴۰ میلیون نفر، ثبت درخواست اینترنتی را شرط برخورداری از افزایش اعتبار اعلام می کند، بدیهی است که سامانه مربوطه باید

عقب نشینی از شرط ثبت نام: اصلاح تصمیم پس از بروز مشکل

ایجاد مسئله زمانی روشن ترشد که در پی مشکلات سامانه، تصمیم تازه ای درباره نحوه پرداخت افزایش اعتبار کالابرگ اعلام شد. در ۲۰ مهر ۱۴۰۵، مقرر شد افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ مهرماه برای حدود ۴۰ میلیون نفر شناسایی نشده، بدون نیاز به ثبت نام در سامانه دولت من

واریز شود و فرایند خوداظهاری و ثبت نام این گروه به ماه آینده موکول شود. این تغییر تصمیم، پرسش مهمی را پیش می کشد: اگر امکان شناسایی حدود ۴۰ میلیون نفر و پرداخت افزایش اعتبار به آنان بدون ثبت نام وجود داشت، چرا از ابتدا ثبت درخواست اینترنتی به عنوان شرط اجرای طرح اعلام شد؟ اگر ثبت نام برای تعیین مشمولان ضروری بود، چرا پیش از فراخوان عمومی، زیرساخت لازم برای انجام آن فراهم نشد؟

البته تغییر شیوه اجرا می تواند اقدامی برای جلوگیری از تضییع حقوق مردم باشد؛ اما همین اصلاح نیز ضرورت پاسخگویی درباره علت تصمیم اولیه، نحوه برآورد ظرفیت سامانه و چگونگی اطلاع رسانی به مردم را از میان نمی برد.

حمایت معیشتی نباید به مسابقه عبور از موانع اداری تبدیل شود

کالابرگ با هدف کمک به تأمین کالاهای اساسی خانوارها مطرح می شود. بنابراین، هرگونه پیچیدگی غیرضروری در مسیر دریافت آن می تواند از کارآمدی سیاست حمایتی بکاهد؛ به ویژه هنگامی که مخاطبان طرح، خانواده هایی هستند که افزایش اعتبار خرید برایشان اهمیت مستقیم معیشتی دارد. از سوی دیگر، تکیه بر ثبت نام اینترنتی بدون فراهم کردن دسترسی پایدار و مسیرهای جایگزین، ممکن است به افزایش هزینه و اتلاف وقت مردم منجر شود. مراجعه به کافی نت، پرداخت هزینه خدمات و تلاش مکرر برای ورود به سامانه، در حالی که فرایند ثبت درخواست با اختلال روبه روست، تجربه ای نیست که از یک طرح حمایتی فراگیر انتظار می رود.

دولت می توانست پیش از آغاز ثبت نام، ظرفیت سامانه را آزمایش کند، مراحل درخواست را ساده سازی کند، زمان بندی متناسبی در نظر بگیرد و در صورت بروز اختلال، به سرعت اطلاع رسانی کند. همچنین لازم بود از ابتدا روشن شود که اختلال فنی چه تأثیری بر مهلت ثبت نام و استحقاق دریافت اعتبار خواهد داشت.

آزمون مدیریت دولت در ساده ترین حلقه اجرای سیاست های معیشتی

ماجرای ثبت نام کالابرگ، فارغ از اهداف اعلام شده برای حمایت از خانوارها، آزمونی برای توان اجرایی دولت پزشکیان در تبدیل تصمیم به خدمت عمومی است. سیاست حمایتی تنها با اعلام رقم اعتبار یا انتشار اطلاعیه محقق نمی شود؛ معیار اصلی آن است که شهروند با آید شرایط بتواند بدون سرگردانی، هزینه اضافی و نگرانی از مهلت های اداری، از آن بهره مند شود.

وقتی اجرای یک طرح فراگیر با اختلال سامانه، مراجعه مردم به کافی نت ها و تغییر بعدی شیوه ثبت درخواست همراه می شود، انتقاد از کیفیت برنامه ریزی و هماهنگی دستگاه های مسئول موضوعیتی جدی پیدا می کند. توضیح دربارۀ علت اختلال، مسئولیت دستگاه های متولی و تدبیر پیشگیرانه ای که اتخاذ شده یا نشده است، حداقل انتظار افکار عمومی است. دولت چهاردهم برای جلب اعتماد مردم در اجرای سیاست های معیشتی، باید به جای انتقال بار مشکلات اجرایی به شهروندان، فرایندها را ساده، زیرساخت ها را پایدار و اطلاع رسانی را شفاف کند. مردمی که با فشار هزینه های زندگی دست و پنجه نرم می کنند، برای دریافت حمایت معیشتی به وعده و بخشنامه بیشتر نیاز ندارند؛ آنها به سازوکاری نیاز دارند که در عمل کار کند.

کالابرگ با هدف کمک به تأمین کالاهای اساسی خانوارها مطرح می شود. بنابراین، هرگونه پیچیدگی غیرضروری در مسیر دریافت آن می تواند از کارآمدی سیاست حمایتی بکاهد؛ به ویژه هنگامی که مخاطبان طرح، خانواده هایی هستند که افزایش اعتبار خرید برایشان اهمیت مستقیم معیشتی دارد

اشتباه در محاسبه تورم عامل فقر کارگران

تاجیک با انتقاد از شیوه محاسبه تورم، خواستار برگزاری فوری جلسه شورای عالی کار برای ترمیم مزد شد. محمدرضا تاجیک، نماینده کارگران در شورای عالی کار، ضمن انتقاد از شیوه فعلی تعیین دستمزد و عقب ماندگی آن از تورم واقعی، بر لزوم برگزاری فوری جلسه این شورا با دستور کار «ترمیم مزد» تاکید کرد. تاجیک با اشاره به بحران کاهش قدرت خرید نیروی کار اظهار داشت: مهم ترین دلیل عقب افتادگی دستمزد از نرخ تورم، اشتباه در نحوه محاسبه تورم و ملاک قرار دادن معیارهای نادرست در تعیین حقوق سالانه است. وی گفت: در حال حاضر برای تعیین دستمزد، به جای سنجش میزان فقیرتر شدن کارگر نسبت به سال گذشته، صرفاً درصد تورم سالانه ملاک قرار می گیرد. این رویکرد موجب شده است که افزایش حقوق ها هیچ گونه همخوانی با واقعیت هزینه های زندگی و جهش قیمت ها نداشته باشد.

نماینده کارگران در شورای عالی کار با تبیین تناقض موجود در محاسبات فعلی افزود: تورم به صورت لحظه ای به هزینه های زندگی ضربه می زند، اما دستمزد بر اساس درآمد سال گذشته محاسبه و تثبیت می شود. همین تناقض ساختاری سبب شده است که جامعه کارگری هر سال نسبت به سال قبل فقیرتر شود. تاجیک در ادامه با انتقاد از طرح های حمایتی موقت تصریح کرد: کمک های معیشتی دولت در وضعیت فعلی نقش مسکن را دارند و مانند «استامینوفن» تنها درد را به صورت لحظه ای کاهش می دهند، اما هرگز نمی توانند مشکل معیشت را به صورت ریشه ای درمان کنند.

وی خاطرنشان کرد: توجه به بُعد اجتماعی دستمزد و در نظر گرفتن تبعات و آسیب های ناشی از دست رفتن قدرت خرید، می تواند این روند معیوب را اصلاح کند. اگر هزینه های اجتماعی ناشی از فقر نیروی کار در محاسبات دیده شود، می توان مانع از سقوط بیشتر سطح زندگی کارگران شد.

این مقام مسئول کارگری با اشاره به مطالبات بدنه کارگری کشور تاکید کرد: کارگران خواهان برگزاری هرچه سریع تر جلسه شورای عالی کار هستند و این جلسه باید با دستور کار صریح «ترمیم مزد» برگزار شود تا بیش از این زمان برای جبران قدرت خرید از دست رفته هدر نرود.



تومان می رسد و این قیمت ها در شرایطی در حال اعلام و نرخ گذاری است که با ارقام نجومی زمینه هرگونه افزایش ماه ها در صف تخصیص ارز می ماند، چطور خودروهایی با ارزش صدها هزار دلار از گمرکات ترخیص می شوند؟

خودرو آمریکایی با پلاک ملی!

قیمت خودرو BMW- XM مدل ۲۰۲۴ با ۲۱۰ میلیارد تومان در یکی از نمایشگاه های شمال تهران اما نکته جالبی را در خود دارد. خودروی BMW- XM در کارخانه اسپارتانورگ در ایالت کارولینای جنوبی در ایالات متحده آمریکا تولید و مونتاژ می شود و این کارخانه مرکز اصلی تولید شاسی بلندهای بی امو (بی امو) برای بازارهای جهانی است و تمامی مدل های بی امو XM منحصراً در همین سایت تولیدی ساخته می شوند و سؤال دیگر اینجاست که این خودرو با چه شرایطی به کشور وارد شده و چگونه توانسته است مجوز پلاک ملی دریافت کند؟

رصد فضای مجازی و آگهی های خودرویی طی هفته های اخیر، رقابتی نجومی دیگری را ثبت کرده به طوری که برخی مدل های خاص نظیر مرسدس بنز GT۶۳ با پلاک ملی و با تعدادی فراز از ۲۰۰ میلیارد تومان (نزدیک به ۳ میلیون دلار با نرخ های روز) قیمت گذاری شده اند؛ رقمی که چندین برابر ارزش دلاری این خودروها در بازارهای بین المللی است. برخی افراد و فعالان حوزه خودرو در شبکه های اجتماعی این پدیده را «جزیره ای کردن اقصاد» قلمیده و در روزهای اخیر



شباهت روایت‌سازی ظریف و روییو برای مقصرنمایی ایران

از تهدیدمحور خواندن سیاست خارجی ایران تا روایت گرینشی از تاریخ، یک خط مشترک دیده می‌شود؛ بازنمایی ایران به‌عنوان عامل تهدید و بحران، بدون توجه به نقش طرف مقابل در شکل‌گیری تنش‌ها. چنین روایتی با جابه‌جایی جایگاه متهم و قربانی، می‌کوشد هزینه تقابل با ایران را با پای راهبرد دفاعی و سیاست خارجی کشورمان بنویسد. یکی از مواردی که در حوزه سیاست باید مورد توجه قرار گیرد، چسباندن برجسب‌های ناهنجار و غیرمتصفانه به راهبرد کشورمان است. ادبیات خودمقصرپنداری که می‌کوشد خود را در جایگاه منتقد بنشانند، در این نوع برجسب‌زنی‌های ناروا دیده می‌شود.

تهدید محور با دفاعی؟

اخیراً سخنرانی از «محمد جواد ظریف» منتشر شده که در آن، وی سیاست ایران را تهدیدمحور می‌خواند و با مثال زدن از شرایط چین در دوران رهبری مائو، عنوان می‌کند که برای رسیدن به نتیجه باید سیاست را فرصت‌محور کرد. ظریف می‌گوید: «ما باید به جای نگاه تهدیدمحور، نگاهی فرصت‌محور به جهان و محیط پیرامون‌مان داشته باشیم.» این در شرایطی است که نگاهی به وضعیت ایران در برابر آمریکا نشان می‌دهد کشورمان بارها، از دوران مسئولیت ظریف در دستگاه دیپلماسی تا امروز، وارد سلسله‌ای از مذاکرات مختلف شده است؛ اما در مواردی، همین میز مذاکره به سکوی برای آغاز جنگی جدید علیه کشورمان تبدیل شده است. در جنگ‌های تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه نیز میز مذاکره به حربه‌ای برای عملیات فریب علیه کشورمان تبدیل شد. طرح روایت‌هایی که ایران را مقصر حوادث و ناگامی در تعاملات دیپلماتیک معرفی می‌کنند، بیش از آنکه بازتاب‌دهنده واقعیت باشند، نوعی وارونه‌سازی آن هستند.

واقعیت ماجرای بهم خوردن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد

در ماجرای برهم خوردن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز اصلاح‌طلبان و عناصر نزدیک به آن‌ها ایران را مقصر جلوه می‌دهند؛ این در حالی است که اندیشکده انگلیسی چتم‌هاوس در تحلیلی تصریح می‌کند که آمریکایی‌ها این تفاهم‌نامه را به صلاح خود ندانستند و آن را برهم زدند. اخیراً «یاشار سلطانی» در ادعایی عنوان کرده است: «یک عده‌ای که در پشت صحنه معادلات اقتصادی ایران، از جمله فروش نفت هستند (که جامعه آن‌ها را با عنوان تراستی‌ها بیشتر می‌شناسد)، در هفته تسلیع و تدفین امام شهید، به نفتکش‌ها در تنگه هرمز حمله کرده‌اند و باعث فرو ریختن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد شدند تا منافع اقتصادی خود را دنبال کنند!»

سلطانی در حالی ماجرا را از میانه و از داخل ایران روایت می‌کند که اندیشکده چتم‌هاوس در تحلیلی به قلم «محسن میانی»، استاد علوم سیاسی دانشگاه فلوریدا، جنوبی، آورده است: «تهران این تفاهم‌نامه را به‌عنوان یک پیروزی ستود، زیرا زمینه ازرگیری صادرات نفت و لغو بخشی از تحریم‌ها را فراهم می‌کرد؛ در حالی که برخی ناظران در واشنگتن آن را یک شکست استراتژیک برای ایالات متحده می‌دانستند.» این اندیشکده انگلیسی نوشت: «ظاهر این تفاهم‌نامه به دلیل اختلافات مربوط به هرمز و لبنان از هم پاشید. با این حال، واشنگتن ممکن است به این نتیجه رسیده باشد که این توافق‌نامه بیش از حد به تهران امتیاز داده و عملآ آن را باطل کرده است. اسرائیل نیز با این ادعا که امضانکننده آن نبوده است، علیرغم درخواست تفاهم‌نامه برای پایان دادن به عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها، از جمله لبنان، به حملات علیه حزب‌الله ادامه داد.»

تحریف تاریخ برای تهدید نشان دادن ایران

اخیراً مارکو روییو، وزیر امور خارجه آمریکا، نیز در شهر آتن کوشید با همین روش عمل کند. او با اشاره گرینشی به رویداد تاریخی حمله خشایارشا به آتن و آتش زدن بخشی از این شهر، ایرانیان را از گذشته تا امروز مهاجم و غارتگر معرفی کرد. سخنان روییو در حاشیه سفرش به یونان و اشاره او به وقایع تاریخی دوران هخامنشیان، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های فارسی‌زبان و شبکه‌های اجتماعی داشت. روییو گفت: «در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، سپاهیان خشایارشا به این شهر رسیدند و زیارتگاه‌های آن را به آتش کشیدند. در آن زمان، بیشتر مردم آتن با کشتی به جزیره‌ای نزدیک گریخته بودند؛ اما عده‌ای اندک حاضر نشدند خانه خود را ترک کنند؛ بنابراین، در دژ سنگی آکروپولیس سنگر گرفتند تا آخرین مقاومت شگفت‌انگیز خود را انجام دهند. آن‌ها سنگ‌های عظیمی را از فراز صخره‌ها بر سرهم‌جاان ایرانی فرو می‌ریختند و برای چندین روز، بزرگ‌ترین امپراتوری آن عصر را پشت دروازه‌ها نگه داشتند.» در همین راستا، توج ردیابی، مورخ، استاد دانشگاه کالیفرنیا در شبکه اجتماعی ایکس به این اظهارات پاسخ داد. او نوشت: «اگر اجازه بدهید، آقای روییو: ۱. در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، خشایارشا آتن را به‌عنوان مجازات سوزاندن سارد، مرکز ساتراپی هخامنشیان به آتش کشید؛ اقدامی که یونانیان اپوینی انجام داده بودند. ۲. در ۲۰۰ سال گذشته، این «غرب» – بریتانیا، روسیه و ایالات متحده – بوده است که به «شرق» حمله کرده، آن را غارت کرده و در آن حضور نظامی داشته است.»

نکته اصلی، روایت‌سازی نادرست و حتی دروغین از ایران و سپس تکیه بر همین روایت‌ها برای طرح استدلال‌هایی است که در آن‌ها سیاست داخلی ایران محکوم و کشورمان مقصر و تهدید جلوه داده می‌شود. ظریف نیز با استفاده از همین روایت‌های گرینشی می‌کوشد سیاست دفاعی ایران را تهدیدآمیز جلوه دهد؛ این در حالی است که کشورمان، به جای چنین استدلال‌های نادرستی، نیازمند تبیین دقیق واقعیت‌ها و تشریح شرایط برای افکار عمومی است. مسئله اصلی، اختلاف‌نظر بر سر فرصت‌ها و تهدیدهای سیاست خارجی نیست؛ بلکه نادیده گرفتن تجربه‌های تاریخی و حذف نقش طرف مقابل در شکل‌گیری بحران‌هاست. وقتی مذاکره‌ای که به حمله نظامی منتهی می‌شود، صرفاً نشانه ناگامی سیاست ایران معرفی شود و در روایت تاریخ نیز تنها بخشی از واقعیت برجسته شود، نتیجه چیزی جز مقصرنمایی ایران نخواهد بود. سیاست فرصت‌محور نیز بدون شناخت دقیق تهدیدها و تضمین‌های عملی برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های گذشته، نمی‌تواند راهبردی واقع‌بینانه باشد. دیپلماسی موفق از شناخت واقعیت آغاز می‌شود، نه از نادیده گرفتن تهدیدها و پذیرفتن روایت طرف مقابل از مسئولیت بحران‌ها.

نسخه ظریف: خلع سلاح دیپلماسی

در حالی که سفرای آمریکا در منطقه یا جزو فرماندهان نظامی بوده‌اند یا سابقه امنیتی دارند محمد جواد ظریف به انتخاب برخی سفرای ایران از نیروهای سپاه قدس حمله کرد

نام	کشور و سمت	دوره	سابقه نظامی
جان ابی‌زید	سفیر آمریکا در عربستان سعودی	۲۰۲۱–۲۰۱۹	ژنرال چهارستاره، فرمانده سنکتام
کارل آیکنبری	سفیر آمریکا در افغانستان	۲۰۱۱–۲۰۰۹	سپهبد؛ ۲۵ سال خدمت در ارتش
رونالد نیومن	سفیر آمریکا در بحرین	۲۰۰۴–۲۰۰۱	فرمانده سابق نظامی
رونالد نیومن	سفیر آمریکا در افغانستان	۲۰۰۷–۲۰۰۵	فرمانده سابق نظامی
آنتونی زینی	نماینده ویژه آمریکا در پرونده اختلافات خلیج فارس	۲۰۱۹	فرمانده پیشین سنکتام

گزارش

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه دولت روحانی و مشاور پزشکیان در زمان انتخابات، در اظهاراتی که اخیراً بازنشر شده، با طرح این پرسش که «چرا سفرای ما در افغانستان، سوریه و عراق نمایندگان نیروی قدس هستند؟» مدعی شده است که پاسخ این سؤال را باید در نگاه تهدیدمحور ایران به منطقه جست‌وجو کرد. او در مقابل، تأکید کرده است که اگر کشورهای منطقه به‌عنوان فرصت اقتصادی دیده شوند، نمایندگان ایران نیز باید بازرگانان، کارآفرینان و دیپلمات‌ها باشند.

ایجاد فرصت تنفس برای دشمن

اظهارات اخیر درباره نگاه تهدیدمحور به منطقه و انتقاد از حضور نمایندگان نیروی قدس به‌عنوان سفیران ایران، در بزنگاهی مطرح می‌شود که آمریکا در برابر اقتدار ایران دچار بن‌بست شده است. چنین اظهاراتی، به منایه ایجاد فرصت تنفس برای دشمن و تضعیف بازوهای امنیت ملی است. آمریکا خود، ژنرال هایش را به‌عنوان سفیر در کشورهای متحد منصوب می‌کند؛ پس چگونه حضور نمایندگان نیروی قدس در منطقه را تهدید می‌بینیم؟ کارنامه برجام و خسارت‌های آن، پرسشی است که پاسخ آن بر عهده مدافعانش است. در بزنگاه حساس، وحدت‌ملی و پرهیز از متهم کردن جریان خودی، ضروری‌تر از همیشه است. این اظهارات در نگاه نخست، دفاع از اولویت دیپلماسی اقتصادی به نظری‌رسد؛ اما یک پرسش اساسی را بی‌پاسخی می‌گذارد: آیا در جهان واقعی، دیپلماسی و امنیت ملی دو حوزه کاملاً جدا از یکدیگرند؟ و آیا آمریکا که حضور نظامی گسترده‌ای در منطقه دارد، روابط دیپلماتیک خود را مستقل از ساختارهای دفاعی و امنیتی اداره می‌کند؟

دیپلماسی بدون درک مؤلفه‌های قدرت، لزوماً به توسعه تجارت منجر نمی‌شود. در منطقه‌ای که پایگاه‌های نظامی، رقابت‌های امنیتی، تحریم‌ها و منازعات منطقه‌ای بر روابط کشورها اثر می‌گذراند، سفیر باید هم ظرفیت‌های اقتصادی را بشناسد و هم بتواند مسائل امنیتی و دفاعی کشور خود را درک و پیگیری کند. اختلاف برسر این نیست که دیپلماسی اقتصادی مهم است؛ باخیر؛ مسئله این است که آیا این دو موضوع به‌ملا حظات امنیتی، منافع ملی را در محیطی پرتنش تأمین کرد؟

کالبدشکافی دیپلماسی التماسی

پاسخ غرب به خوش‌بینی و تیره‌خود از سوی اصلاح‌طلبان، همواره تحریم و جنگ بوده‌است. ظرفی و همکارانش هنگامی که در مسند قدرت نشست، فرصت‌های متعدد برای اعتلای ایران را سوزاند؛ اما جرم و خطای نابخشونی خود را نادیده می‌گیرند و مدعی فرصت‌محور نبودن سیاست جمهوری اسلامی ایران می‌شوند.

تاریخ روابط بین‌الملل و به‌ویژه کارنامه چهار دهه رویارویی انقلاب اسلامی با جهان استکبار نشان می‌دهد که پاسخ جبهه استکباری غرب به هرگونه خوش‌بینی مفراط، لینچند دیپلماتیک و تیره‌نشدن دشمن از سوی جریان موسوم به اصلاحات و غریگر، چیزی جز تشدید تحریم‌های اقتصادی، تهدیدشنکی‌های بی‌دریی و کشتادن فضای کشور به آستانه جنگ و تنش نبوده‌است.

بااین وجود، جریان یادشده به‌طور مداوم با ساخت دوگانه‌های کاذب و اسم‌زخم‌های احرافی، در تلاش است تا سویی به طرف غربی پالس ضعف و انفعال صادره کند و از سوی دیگر جبهه انسجام داخلی را دچار تهدید و التهاب سازد؛ اما سیر رخدادهای تاریخی موجب شده که سطح‌گاهی، درک راهبردی و بصیرت عمومی ملت ایران روز به روز ارتقا یابد و ماهیت ضلایل‌رانی و ناکارآمدین رویکرد تسلیم‌طلبانه بیش از هر زمان دیگری آشکار گردد. نمونه‌های اخیر مانند پروژه تسلیم با روش صلح شرافتمندانه گواه این حقیقت تلخ است. در امتداد پروژه همیشگی «قلب‌مفاهیم» در راستای نهادینه‌سازی تسلیم طلبی و استحاله ساختاری، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت موسوم به تدبیر و امید و متولی برجام، در حرف‌هایی که مربوط به قتل‌است‌اما اخیراً به طرزی مشکوک و ده‌فمند منتشر شده، از دوگانه‌ای جدید رونمایی کرد و بااین تقلائی تحریف، اراده و هدف شوم خودش و جماعت غریب‌گرا بیش از پیش برای نخبان و جامعه عیان کردید: درازدست در شرایطی که این جناح در دوران تکیه بر مسند قدرت اجرایی، صدها فرصت حیاتی برای اعتلای کشور را سوزانده، اکنون با وقاحتی کم‌نظیر جرم و خطای نابخشونی خود را نادیده گرفته، ناگامی‌ها را به تمامیت نظام نسبت می‌دهد، مدعی عدم فرصت‌محوری در

وقتی سفیر آمریکا با فرماندهی عملیات ویژه همکاری می‌کند

بررسی سوابق رسمی دیپلمات‌های آمریکایی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، نمونه‌ای روشن از پیوند ساختار دیپلماتیک این کشور با نهاد‌های نظامی و امنیتی ارائه می‌دهد. استیون باندی، سفیر آمریکا در بحرین، دیپلماتی حرفه‌ای در وزارت خارجه آمریکاست؛ اما مطابق زندگی‌نامه رسمی منتشرشده برای معرفی او به ستا، پیش‌تر مشاور سیاست خارجی فرمانده عملیات ویژه مشترک آمریکا بوده‌است. او همچنین در حوزه تحریم‌های اقتصادی و تأمین مالی تروریسم فعالیت داشته‌است. این سابقه به‌خودی‌خود نشان می‌دهد که در دستگاه دیپلماسی آمریکا، تجربه همکاری با ساختارهای نظامی و امنیتی می‌تواند بخشی از سوابق یک سفیر باشد. از سوی دیگر، وزارت خارجه آمریکا به‌صراحت از حضور مأموران امنیت دیپلماتیک در سفارتخانه‌های این کشور سخن گفته‌است. این مأموران وظیفه حفاظت از کارکنان و تأسیسات دیپلماتیک، حفاظت از اطلاعات، تحلیل تهدیدها و ارتباط با نهادهای انتظامی و امنیتی کشورهای میزبان را بر عهده دارند. بنابراین، ساختار دیپلماتیک آمریکا صرفاً مجموعه‌ای از بازرگانان و کارشناسان تجارت نیست؛ بلکه در کنار فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، سازوکارهای رسمی امنیتی و دفاعی نیز دارد.

دیپلماسی اقتصادی یا چشم‌پوشی از واقعیت‌های امنیتی؟

ایران به گسترش تجارت با همسایگان نیاز دارد و سفارتخانه‌ها باید برای توسعه صادرات، جذب سرمایه‌گذاری، تسهیل مبادلات مالی و رفع موانع تجاری فعال باشند؛ اما تجارت منطقه‌ای نیز در خلأ شکل نمی‌گیرد. امنیت مسیرهای ترانزیتی، ثبات سیاسی، روابط دفاعی و میزان اعتماد متقابل، بر تصمیم‌فعالان اقتصادی اثر می‌گذراند. از این منظر، دوگانه‌سازی میان «دیپلمات و بازرگان» از یک طرف و «نیروی امنیتی» از طرف دیگر، تصویر کاملی از الزامات سیاست خارجی ارائه نمی‌کند. یک سیاست خارجی کارآمد باید بتواند از ظرفیت‌های امنیتی برای کاهش تهدیدها و ایجاد ثبات استفاده کند و هم‌زمان، این ظرفیت‌ها را در خدمت گسترش روابط سیاسی و اقتصادی قرار دهد. نقد اصلی به اظهارات ظریف این نیست که چرا دیپلماسی اقتصادی دفاع می‌کند؛ بلکه این است که چرا توسعه روابط اقتصادی را در برابر ملاحظات امنیتی ملی قرار می‌دهد، گویی این دو الزاماً متضادند. معیار ارزیابی سیاست خارجی، نه صرفاً ثبات و وعده داده‌اند، بلکه میزان موفقیت او در تأمین منافع ملی در همه ابعاد است.



نظامیان آمریکایی در قامت سفیر و نماینده ویژه در منطقه

بررسی سوابق سفرای آمریکا نشان می‌دهد که این کشور در چند مقطع، افسران ارشد و ژنرال‌های بازنشسته را به‌عنوان سفیر در کشورهای منطقه منصوب کرده‌است. در کنار این افراد، دیپلمات‌هایی نیز حضور داشته‌اند که سابقه خدمت نظامی داشته یا مستقیماً با فرماندهی نیروهای آمریکایی در منطقه همکاری کرده‌اند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند آمریکا نیز در انتخاب نمایندگان خود، در مواردی از تجربه نظامی و شناخت امنیتی منطقه استفاده کرده‌است.

مهم‌ترین نمونه‌های مستند

۱. **ژنرال جان ابی‌زید: سفیر آمریکا در عربستان سعودی**
۲۰۱۹-۲۰۲۱: ژنرال چهارستاره ارتش آمریکا

ابی‌زید پس از ۳۴ سال خدمت نظامی در ارتش آمریکا بازنشسته شد. او از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا (سنکتام) بود: فرماندهی‌ای که مسئولیت عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه و مناطق پیرامونی را بر عهده داشت. وی در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان سفیر آمریکا در عربستان سعودی منصوب شد. درواقع واشنگتن یک فرمانده ارشد نظامی با تجربه مستقیم در مدیریت عملیات منطقه‌ای را برای نمایندگی دیپلماتیک خود در یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی انتخاب کرد.

۲. **ژنرال کارل آیکنبری: سفیر آمریکا**

۲۰۰۹-۲۰۱۲: سپهبد بازنشسته ارتش آمریکا
آیکنبری پیش از تصدی سفارت آمریکا در کابل، ۳۵ سال در ارتش خدمت کرده بود و با درجه سپهبدی بازنشسته شد. او سابقه فرماندهی نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا در افغانستان و فعالیت در سمت‌های

مرتبط با برنامه‌ریزی نظامی و سیاست دفاعی را داشت. آمریکا در دوره‌ای که عملیات نظامی و مأموریت سیاسی اش در افغانستان به‌شدت درهم تنیده بود، یک ژنرال ارشد را به مقام سفارت منصوب کرد.

۳. **رونالد نیومن: سفیر آمریکا در بحرین و افغانستان**

بحرین: ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵: افغانستان: ۲۰۰۵ تا ۱۹۷۰
نیومن در آغاز فعالیت دولتی خود، در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ افسر پیاده‌نظام ارتش آمریکا در ویتنام بود و نشان پرزئاستار دریافت کرد. او سپس وارد سرویس خارجی وزارت خارجه شد و به دیپلمات حرفه‌ای تبدیل شد. علاوه بر سفارت در بحرین و افغانستان، در عراق نیز مسئولیت هماهنگی سیاسی با فرماندهی چندملیتی را بر عهده داشت. نیومن نمونه‌ای از دیپلماتی است که تجربه نظامی‌را پیش از ورود به دستگاه دیپلماسی به دست آورده بود و بعداً در چند مأموریت حساس منطقه‌ای خدمت کرد.

۴. **ژنرال آنتونی زینی: نماینده ویژه آمریکا در پرونده اختلافات خلیج فارس**
زینی، ژنرال چهارستاره بازنشسته تفنگداران دریایی آمریکا و فرمانده پیشین سنکتام بود. در دولت دونالد ترامپ، به‌عنوان نماینده ویژه برای کمک به حل اختلافات میان کشورهای عربی خلیج فارس و پیشبرد ایده ائتلاف راهبردی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس فعالیت کرد. او در ژانویه ۲۰۱۹ از این مأموریت کناره‌گیری کرد. زینی سفیر آمریکا در یک کشور نبود؛ بلکه نمونه‌ای از استفاده واشگتن از یک فرمانده ارشد بازنشسته برای پیشبرد مأموریتی سیاسی و امنیتی در سطح منطقه است. (جدول)

این سوابق چه پاسخی به انتقاد ظریف می‌دهد؟

محمد جواد ظریف درباره حضور نیروهای سپاه قدس در مسئولیت‌های دیپلماتیک ایران پرسیده بود که چرا نمایندگان ایران در برخی کشورهای منطقه از این مجموعه هستند و این انتخاب را به نگاه تهدیدمحور مرتبط دانسته بود. نمونه‌های آمریکا نشان می‌دهد که واشنگتن نیز در برخی مأموریت‌های مهم منطقه‌ای، از ژنرال‌های بازنشسته یا دیپلمات‌های دارای سابقه نظامی استفاده کرده‌است. ابی‌زید پس از فرماندهی سنکتام سفیر عربستان شد و آیکنبری پس از ۳۵ سال خدمت نظامی، سفارت آمریکا در افغانستان را بر عهده گرفت. از این رو، صرف برخورداری یک نماینده دیپلماتیک از سابقه نظامی را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه شکست دیپلماسی یا تهدیدانگاری کشورهای میزبان دانست. اسناد رسمی نشان می‌دهد که آمریکا در سال‌های گذشته، یک ژنرال چهارستاره و فرمانده پیشین سنکتام را به سفارت عربستان سعودی فرستاده و یک سپهبد باسابقه ارتش را نیز به‌عنوان سفیر در افغانستان منصوب کرده‌است. در نمونه‌ای دیگر، دیپلماتی که سابقه افسر پیاده‌نظام در جنگ ویتنام را داشت، سفارت آمریکا در بحرین و افغانستان را بر عهده گرفت. این سوابق، تصویر ساده‌انگارانه‌ای را که دیپلماسی را کاملاً جدا از مؤلفه‌های نظامی و امنیتی تصور می‌کند، به چالش می‌کشد. نکته محوری برای نقد ظریف این است که اگر استدلال او این است که استفاده از تجربه نظامی و امنیتی در دیپلماسی لزوماً به معنای نگاه تهدیدمحور است، انتصاب‌های مستند آمریکا، پرسش مهمی ایجاد می‌کند: چرا واشنگتن از چنین تجربه‌ای در مأموریت‌های حساس منطقه‌ای استفاده کرده، اما درباره اصل حضور افراد دارای سابقه نظامی در ساختار دیپلماسی ایران باید حکم کلی صادر کرد؟

نقد اصلی به اظهارات ظریف این نیست که چرا از دیپلماسی اقتصادی دفاع می‌کند؛ بلکه این است که چرا توسعه روابط اقتصادی را در برابر ملاحظات امنیتی ملی قرار می‌دهد، گویی این دو الزاماً متضادند. معیار ارزیابی سیاست خارجی، نه صرفاً عنوان سازمانی سفیر، بلکه میزان موفقیت او در تأمین منافع ملی در همه ابعاد است

می‌دهند که بیایند دربارهٔ مسئلهٔ هسته‌ای گفت‌وگو کنیم؛ هم‌به‌هم‌پیغام می‌دهند، هم در تبلیغات جهانی‌شان این را مطرح می‌کنند... من به این گفت‌وگوها خوشبین نیستم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشتهٔ ما نشان می‌دهد که گفت‌وگو در منطق حضرات آمریکائی به این معنی نیست که بشنیمینم تا به یک راه‌حل منطقی دست پیدا کنیم- منظرشان از گفت‌وگو این نیست- منظورشان از گفت‌وگو این است که بشنیمینم حرف بزنیم و دشمنان را به نظر ما قبول کنیدا؛ هدف، از اول اعلام شده است: باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم که گفتیم که این، گفت‌وگو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود. من به این اظهارات خوشبین نیستم، اما مخالفت هم ندارم.»

افزایش انگ‌زداری تحریم با سو، مدیریت هدفمند و انجام گسیخته برجامیان

متأسفانه جریان غریگرامتی را که فرسنگ‌ها یک توافق اصولی فاشه و بیشتر ما حاصل یک دیکته‌نویسی کل‌طرفه بود تا دیپلماسی عریض‌مدار، به‌عنوان اמת مقدس، به جامعه قالب کردند و منتقدان دلسوز را آماج برجسب‌ها و اهانت‌های زننده قرار دادند. برجامیان کشور را معطل لینچند دشمن بهانه‌جویی‌های واشنگتن نگاه داشتند، نقض عهده‌ای مکرر را ماست‌مالی کردند و عهده‌اماریا را به‌تعمیل فشارهای بیشتر تشویق نمودند. هم‌زمان در داخل کشور، سو مدیریت هدفمند و انجام گسیخته در حوزه‌هایی چون مسکن، مدیریت سوخت و بنزین، حراج چوب حراج گونه ذخایر گران‌بهای طلا و از کشور، به تقلیل کشتادن عده‌ها واحد تولیدی، بی‌توجهی مطلق به اصلاح ساختار بودجه و دیوی عمدی کاغذی‌ا اساسی در بنادر و کم‌رکات، اثر بخشی اهرم تحریم را چندین برابر کرد.

آنان هم شوق تحریم خارجی و هم بانی تحریم داخلی شدند تا جامعه را خسته و بی‌پناه‌شان دهند و در گام بعد، خواهان حراج سایر منابع قدرت ملی کشور شوند. این جریان خائنانه در بی‌سطن این‌انحراف به‌برجام‌های ۲ و ۳ بودند تا با خلع سلاح موکشی و برچیدن بازوان منطقه‌ای مقاومت، ایران را ورطه رابه لیبی سازی و سوریه‌سازی بکنانند؛ طری‌حی شوم که تئوپای ایستاکگی جانانه ملت و تدابیر امام شهید اامت عقیم ماند.

آنجنان چهره ایران را مفلوک و محتاج نشان داد که اتاق‌های فکر دشمن را به اشتباه محاسباتی کشانند. همان سال ۹۲، وب‌سایت رادیو دولتی فرانسه در تحلیلی تکان‌دهنده نوشت: «ارزایی غرب از دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدبهار و مشتاقی است که خود را انگ‌زیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. طبق این جمع‌بندی اگر خریدار صبور باشد، فروشنده قیمت را کمتر خواهد کرد.»

این اعتراف به درمادگی، ابزار مورد علاقه طراحان تحریم بود. ریچارد نفیو، معمار اصلی تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران، در کتاب خود بنام «هنر تحریم‌ها» خاطرنشان می‌سازد: «وقتی یک کشور اعتراف می‌کند که مشکل تحریم دارد، تقریباً نیمی از کار انجام شده. اساساً این نوع اعتراف، دشواری‌های خاصی برای هر دولت دارد چرا که به دشمنانش نشان می‌دهد آسیب‌پذیری‌هایی که آنها دنبالش بودند، کاملاً نغموید اکرده‌است.»

هشدارهای نادیده گرفته‌شده و زمینه‌سازی برای برجام‌های زنجیره‌ای
در همان مقطع، مقتدی احکیم انقلاب بارها با شفافیتی بی‌بدیل، عدم خوش‌بینی مبایلی خود را به روند گفت‌وگو با شیطان بزرگ اعلام فرمودند. گرچه مجال بازخوایی تمامی هشدارها نیست، اما بیانات مظلوم‌ه در نخستین روز از فروردین ۱۳۹۷ در حرم مطهر رضوی سندی زنده بر این بصیرت تاریخی است: «آجا که فرمودند: «آمریکائی‌ها مرتب از راه‌های گوناگون به ما پیغام



نقد رویکرد ظریف به دیپلماسی

روح الله متفکر آزاد، نماینده مجلس، با نقد اظهارات اخیر محمدجواد ظریف درباره انتصاب سفرا از میان نیروهای نظامی و امنیتی، تصریح کرد: آنچه آقای ظریف با آن مواجه است، نوعی «فریب به خود» است که گرفتار آن شده‌اند. این ابتدایی‌ترین نوع نگاه به فرصت و تهدید است که صرفاً بر اساس خاستگاه سازمانی یک دیپلمات، قضاوت کند که او نگاهش تهدیدمحور است یا فرصت‌محور. وی ادامه داد: آمریکایی‌ها در بسیاری از نقاط دنیا، حتی دیپلمات‌ترین سفرای خود را از میان ارگان‌های امنیتی و نظامی انتخاب می‌کنند. اینکه چون یک سفیر یا نماینده جمهوری اسلامی از فلان ارگان آمده، پس نگاه فرصت‌محور نداریم، تحلیل غلطی است. مگر می‌شود چنین نگاهی داشت؟ شما با سوادترین و متخصص‌ترین سفیرانتان را در برخی از این کشورها داشتید که اتفاقاً به لحاظ دیپلماسی هم خودتان قائلید که بسیار افراد مجرب و توانمندی بودند.

دکترین شهید سلیمانی در برابر دکترین ظریف

نماینده تبریز با تأکید بر لزوم استفاده همه‌جانبه از ابزارهای قدرت ملی گفت: دشمنان ملت ایران در استفاده از همه ابزارهای خود اعم از رسانه، هنر، دیپلماسی فرهنگی و مبارزه فرهنگی-اجتماعی و نظامی تعارف ندارند. این‌ها مکمل یکدیگر هستند. متفکر آزاد افزود: متأسفم که بگویم کسی که رئیس دستگاه دیپلماسی کشور بوده، چنین تفکری دارد. حالا می‌فهمیم شهید حاج قاسم سلیمانی از دست این آقایان در مبارزه با دشمن چه کشیده است. این تقصیر ما نبود که نیروهای اشغالگر آمریکا به افغانستان و عراق لشکرکشی کرد و داعش را در منطقه به وجود آورد و محیط منطقه را به ناامنی کشاند. دکترین حاج قاسم در برابر دشمن، دکترین موفق‌ی بود. ما با از دست‌دادن حاج قاسم، شاهد سلسله‌ای از اتفاقات بودیم که نشان می‌داد دکترین حاج قاسم «فرصت‌محور» بود، نه دکترین آقای ظریف.

هشدار نسبت به احیای دوگانه‌های جعلی

وی با هشدار نسبت به تکرار سناریوهای تفرقه‌افکنانه تصریح کرد: برخی دوست دارند در وسط جنگ، دوگانه‌های «فیک» و جعلی بسازند. من این کار را اگر خوش‌بین باشم، «نادانی» و اگر بدبین باشم «خیانت» می‌نامم.

عضو هیات رئیسه مجلس خاطرنشان کرد: در شرایطی که در وسط جنگ هستیم و همه باید کنار هم بچکنیم، رئیس‌جمهور، سپاه پاسداران، ارتش، فراجا، بسیج، مردم و دستگاه دیپلماسی باید پشت سر رهبری قرار گیرند. آمدن و ساختن دوباره دوگانه‌های جعلی «میدان و دیپلماسی» که چند سال پیش ساخته شد و کشور از آن ضربه خورد، با نادانی است یا خیانت.



رحمتی: کیفیت ساخت و رفاه متقاضیان؛ اولویت بانک گردشگری در احداث ۴۱۰۰ واحد مسکونی نهضت ملی مسکن است

حسین رحمتی، رئیس هیئت مدیره بانک گردشگری، پس از بازدید از پروژه‌های نهضت ملی مسکن، با اشاره به مشارکت گسترده این بانک در احداث ۴۱۰۰ واحد مسکونی در تهران و تبریز گفت: اجرای پروژه‌ای در این مقیاس، با هدف تأمین مسکن مناسب برای هزاران خانوار، جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک گردشگری و ایفای نقشی فراتر از ارائه خدمات متعارف بانکی است.
او در ادامه افزود: فرصتی برای ارائه الگویی متفاوت و فرهنگ‌سازی در صنعت انبوه‌سازی مسکن کشور به شمار می‌رود؛ الگویی که بر کیفیت ساخت، افزایش طول عمر سازه‌ها، مدیریت هوشمندانه و بهینه‌فرآیند ساخت، کاهش فضاهای پرت، استفاده از سازه‌های بتنی و مصالح استاندارد و باکیفیت استوار است.
انتخاب پیمانکاران و کارشناسان حرفه‌ای، ایجاد فضای رقابتی برای ارتقای شاخص‌های کیفی، نظارت دقیق بر مراحل اجرا و سرعت قابل توجه پیشرفت پروژه‌ها نیز از ویژگی‌های متمایز این طرح محسوب می‌شود.
رحمتی افزود: اجرای ۴۱۰۰ واحد مسکونی، مسئولیت مهمی در قبال حقوق و انتظارات هزاران خانوار به همراه دارد و هدف بانک گردشگری صرفاً ساخت و تحویل واحدها نیست، بلکه تأمین آسایش، امنیت و شرایط مناسب سکونت برای متقاضیان است.
او همین رو، برنامه ریزی برای تأمین زیرساخت‌های اساسی شامل آب، برق و گاز از مراحل ابتدایی پیش‌رفت فیزیکی پروژه‌ها در دستور کار قرار گرفته است؛ موضوعی که در بسیاری از پروژه‌های انبوه‌سازی حتی پس از تکمیل ساختمان‌ها نیز یک چالش جدی محسوب می‌شود. وی تأکید کرد: تأمین مسکن ایمن، استاندارد و باکیفیت برای متقاضیان این ۴۱۰۰ واحد، علاوه بر تحقق تعهدات بانک، گامی مؤثر در افزایش رفاه و امنیت خاطر خانوارها و کمک به ارتقای کیفیت زندگی آنان از مسیر برخورداری از مسکن مناسب و پایدار است.

■ چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵

■ ۳ جمادی الاول ۱۴۴۸

■ ۲۰۲۶ October ۱۴

■ سال سوم

■ شماره ۵۸۰

■ چاپخانه: نگار نقش

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ کد پستی: ۱۵۸۶۱۳۴۱۳

■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



ارز ترجیحی حذف شد کسری بودجه ماند، تورم بزرگ‌تر شد

گزارش

اصلاح ارز ترجیحی با اهدافی مانند کاهش اتلاف

منابع، محدود کردن رانت ناشی از چندترخی بودن ارز و هدفمند کردن حمایت از خانوارها اجرا شد. در ادامه، نرخ ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی حذف و سازوکار حمایت از مصرف‌کننده به سمت پرداخت مستقیم‌تر یارانه و کالابرج تغییر کرد. اما چند ماه پس از اجرای این سیاست، اقتصاد همچنان با کسری بودجه، جهش نرخ ارز و تورم بسیار بالا مواجه است. در چنین شرایطی، یکی از توضیحات مهم و البته قابل طرح، آثار جنگ بر هزینه‌ها و درآمدهای دولت است. اما برای قضاوت دقیق، یک سؤال اساسی باید پاسخ داده شود: جنگ دقیقاً چه میزان به هزینه‌های دولت افزود و چه مقدار از درآمدهای دولت را کاهش داد؟

این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که ناترازی بودجه پیش از جنگ نیز مسئله‌ای تازه و ناشناخته نبود. در لایحه اولیه بودجه ۱۴۰۵، کسری تراز عملیاتی حدود ۶۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود؛ یعنی حتی پیش از بروز شوک‌های ناشی از جنگ، درآمدهای جاری دولت پرای پوشش کامل هزینه‌های جاری کافی نبود. با این حال، باید توجه داشت که «کسری تراز عملیاتی» با «کل کسری بودجه» یکسان نیست. ضمن آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده بود کسری تراز عملیاتی لایحه ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴ حدود ۳۲ درصد کاهش یافته است.

در همین لایحه اولیه، مجموعه هزینه‌های دولت حدود ۲۰ درصد افزایش یافته بود و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با همان بودجه عمرانی در حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان ثابت مانده بود. البته این ارقام مربوط به نسخه اولیه لایحه است و در جریان بررسی بودجه در مجلس، تغییراتی در ارقام هزینه‌ای و عمرانی ایجاد شد؛ بنابراین نباید ارقام نسخه اولیه و قانون نهایی با یکدیگر خلط شوند.

پس نمی‌توان هر میزان کسری بودجه امروز را به جنگ نسبت داد.

جنگ بدون تردید می‌تواند هزینه‌های جدیدی ایجاد کند؛ از هزینه‌های دفاعی و امنیتی گرفته تا حمایت‌های معیشتی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، اختلال در زنجیره تأمین و افزایش هزینه واردات. از همین رو، افزایش فشار بر منابع بودجه‌ای در دوره جنگ قابل انتظار است. اما در تحلیل اقتصادی، مسئله اصلی فقط این نیست که جنگ هزینه

پاییز سرد معیشت در نیمه مهرماه؛

چرا قفل شورای عالی کار باز نمی‌شود؟

با گذشت نیمه مهر، خلف وعده دولت در برگزاری جلسه شورای عالی کار، کارگران را در بن بست معیشتی رها کرده است.

با عبور تقویم از نیمه مهرماه، نه تنها خبری از ترمیم دستمز در کارگران نیست، بلکه سکوت مطلق دولت در قبال برگزاری جلسات شورای عالی کار، به نگرانی‌های جامعه کارگری دامن زده است؛ جامعه‌ای که این روزها زیر تیغ تورم و سقوط ارزش ریال، در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی به بن بست رسیده است.

عبور از خط قرمز معیشت: دستمزدی که دیگر «مزد» نیست

نیمه مهرماه ۱۴۰۵ در حالی سپری شد که لایحه‌های مختلف جامعه کارگری، چشم‌انتظار واکنشی عملی از سوی تیم اقتصادی دولت برای جبران عقب‌ماندگی مزد بودند. واقعیت میدانی نشان می‌دهد که «دستمزد رایلی» کارگران در مصاف با «تورم دلاری»، به شدت تضعیف شده است. امروز دستمزد، دیگر معنای ابزاری برای گذران زندگی را از دست داده و تنها به مسکنی ضعیف تبدیل شده که حتی هزینه‌های ۱۰ روز نخست ماه را نیز پوشش نمی‌دهد. سقوط ارزش خرید پول ملی، قدرت مانور کارگران را در بازار به حداقل رسانده و آن‌ها را با یک بحران بی‌سابقه در هزینه‌های مسکن، بهداشت و پروتئین مواجه کرده است.

علیرغم وعده‌های متعدد مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر پیگیری وضعیت معیشتی در نیمه دوم سال، تاکنون هیچ دعوت‌نامه‌ای برای برگزاری جلسه شورای عالی کار صادر نشده است. طبق روال قانونی و با توجه به تغییرات فاحش شاخص تورم، شرکای اجتماعی (دولت، کارفرما و کارگر) باید برای بازنگری در قدرت خرید مزد تشکیل جلسه دهند.
انفعال دولت در فراخوان این جلسه، این شائبه را در ذهن کارگران تقویت کرده است

داشته است؛ مسئله این است که اثر خالص آن بر تراز مالی دولت چقدر بوده است.

طرف دیگر این معادله، درآمدهای دولت است؛ جایی که تصویر به‌مراتب پیچیده‌تر از آن است که بتوان گفت جنگ الزاماً به کاهش درآمدهای دولت منجر شده است.

براساس گزارش عملکرد بودجه دولت، درآمد نفتی در بودجه تا پایان مردادماه حدود ۱۱۰ درصد رقم پیش‌بینی شده برای این دوره محقق شده است. این عدد البته به معنای آن نیست که درآمد نفتی دولت نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش یافته یا تمام درآمد حاصل از صادرات نفت مستقیماً در اختیار دولت قرار گرفته است؛ بلکه نشان می‌دهد تحقق درآمد نفت در مقایسه با رقم بودجه‌ای پیش‌بینی شده برای این دوره، از انتظار عبور کرده است.

در روزهای ابتدایی جنگ نیز گزارشی منتشر شد که از افزایش درآمد روزانه نفتی ایران از حدود ۶۶ میلیون دلار به بیش از ۱۴۰ میلیون دلار خبر می‌داد و این افزایش را به رشد هم‌زمان قیمت جهانی نفت و حجم صادرات نسبت می‌داد. این گزارش، افزایش حدود ۸۰ درصدی قیمت هر بشکه و رشد ۵۰ درصدی حجم صادرات را از عوامل اصلی این تغییر عنوان کرده بود.

البته این به معنای بی‌اثر بودن جنگ بر درآمدهای نفتی نیست. محدودیت‌های صادراتی، مشکلات حمل‌ونقل و تغییر شرایط فروش نفت می‌تواند در مقاطعی درآمدهای ارزی کشور را کاهش دهد.
بنابراین، اثر جنگ بر درآمدهای نفتی را باید در کل دوره و به‌صورت خالص محاسبه کرد، نه با انتخاب یک مقطع خاص.
دقیقاً همین‌جا مسئله اصلی آشکار می‌شود: اگر از یک‌سو جنگ هزینه‌های جدیدی ایجاد کرده و از سوی دیگر، در برخی مقاطع درآمدهای نفتی نیز افزایش یافته و حتی تحقق درآمد نفتی بودجه تا پایان مرداد به ۱۱۰ درصد رقم پیش‌بینی شده رسیده است، سهم خالص جنگ از کسری بودجه چقدر است؟

این عدد باید از تفکیک سه جزء به دست آید: هزینه‌های اضافی ناشی از جنگ، درآمدهای ازدست‌رفته احتمالی و درآمدهای اضافی احتمالی. بدون این تفکیک، نسبت دادن کل افزایش کسری بودجه به جنگ، از نظر تحلیلی کافی نیست.
همین مسئله درباره تورم نیز صادق است. جنگ می‌تواند از مسیرهای مختلف تورم را باشد: افزایش هزینه حمل‌ونقل و واردات، اختلال در عرضه، تشدید نااطمینانی، افزایش انتظارات تورمی و فشار بر بازار ارز، همگی از کانال‌های

شناخته‌شده انتقال یک شوک بزرگ به سطح عمومی قیمت‌ها هستند.

اما این مسئله با این ادعا تفاوت دارد که هر تومری که پس از جنگ مشاهده شده، محصول جنگ است.

آخرین آمار منتشرشده از شاخص قیمت مصرف‌کننده در مرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد تورم ماهانه به ۳/۴ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸/۹ درصد و تورم سالانه به ۶۹/۹ درصد رسیده است. این ارقام شدت فشار تورمی را نشان می‌دهند، اما به‌تنهایی نمی‌توانند سهم هر عامل از این تورم را تعیین کنند. اگر بخواهیم افزایش تورم را به جنگ نسبت دهیم، باید تورم و فشارهای قیمتی پیش از جنگ را از شوک‌های جدید پس از آن تفکیک کنیم. نرخ ارز، نقدینگی، کسری بودجه، اختلالات عرضه، انتظارات تورمی و تغییر هزینه واردات همگی می‌توانند هم‌زمان بر تورم اثر گذاشته باشند.

از همین‌زمان سازوکار کالابرج برای جبران آثار این اصلاح در نظر گرفته شد.
این تغییر عنوان کرده بود.

بنابراین، یکی از پرسش‌های اساسی این نیست که آیا اصلاح ارز ترجیحی اصولاً می‌تواند رانت ناشی از چندترخی بودن ارز را کاهش دهد یا نه؛ بلکه پرسش این است که منابع حاصل از این اصلاح دقیقاً چگونه در بودجه ثبت و مصرف شده‌اند و چه بخشی از آنها به کاهش فشار مالی دولت یا حمایت از خانوارها اختصاص یافته است؟

این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا در سازوکار بودجه ۱۴۰۵، منابع حاصل از مابه‌التفاوت نرخ ارز به‌طور مستقیم به مصارف حمایتی و کالابرج مرتبط شده است و لزوماً به معنای ایجاد یک منبع آزاد برای کاهش کسری

بودجه عمومی نیست. در بررسی‌های مربوط به جدول ۱۴ بودجه نیز درباره میزان منابع و مصارف این بخش بحث شده است؛ به‌گونه‌ای که در نسخه مورد بررسی مجلس، رقم منابع ناشی از مابه‌التفاوت نرخ ارز حدود ۵۴۴ هزار میلیارد تومان و رقم مصارف کالابرج حدود ۹۹۶ هزار میلیارد تومان گزارش شده بود.
بنابراین، اصل موضوع صرفاً «خلق درآمد برای دولت» نیست؛ بلکه نحوه تراز کردن منابع و مصارف این سیاست نیز اهمیت دارد.

از سوی دیگر، رقم ۵۷۲ هزار میلیارد تومان که در برخی گزارش‌ها به‌عنوان منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی مطرح شده، مربوط به جداول لایحه اولیه بودجه است و نباید بدون اشاره به مرحله بررسی بودجه، آن را عیباً معادل رقم نهایی قانون در نظر گرفت.
همین تفاوت میان نسخه‌های مختلف بودجه نشان می‌دهد که برای ارزیابی سیاست، باید به نسخه نهایی احکام و جداول و همچنین عملکرد واقعی خزانه مراجعه کرد.

در چنین شرایطی، سؤال دقیق‌تر دیگری این نیست که «چرا جنگ اجازه نداد سیاست ارزی موفق شود؟» سؤال دقیق‌تر این است که اصلاح ارز ترجیحی چه هدف مالی مشخصی داشت، منابع حاصل از آن دقیقاً چه میزان بود و در نهایت در کدام ردیف‌ها و مصارف هزینه شد؟

این همان صورت‌حسابی است که باید روی میز قرار گیرد. عبدالناصر همتی پیش‌تر درباره حجم رانت ناشی از اختلاف نرخ‌های ارز گفته بود که در یک سال حدود ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومان رانت ناشی از اختلاف نرخ ارز ایجاد شده است. این رقم، نقل قول و برآورد او نیست و نباید با درآمد قابل وصول دولت یا صرفه‌جویی بودجه‌ای یکسان تلقی شود؛ اما همین ادعا نشان می‌دهد که مسئله اختلاف نرخ‌ها از منظر سیاست‌گذار، صرفاً یک موضوع ارزی نبوده و به تخصیص منابع و توزیع رانت نیز مربوط می‌شده است.
از این منظر، پرسش اصلی آن است که اگر هدف اصلاح نرخ ارز، کاهش اتلاف و رانت و هدفمند کردن حمایت بوده است، آیا در عمل می‌توان نشان داد که این اهداف محقق شده‌اند؟
تأثیر منابع حاصل از اصلاح نرخ ارز به‌طور شفاف در بخش حمایت معیشتی هزینه شده‌اند؟ آیا میزان پرداختی به خانوارها متناسب با افزایش قیمت کالاهای مشمول بوده است؟ آیا هزینه بودجه‌ای سیاست جدید کمتر یا بیشتر از هزینه سیاست قبلی شده است؟ و مهم‌تر از همه، اثر خالص این تغییر بر منابع و مصارف دولت چه بوده است؟
این پرسش‌ها با پاسخ به این جمله که «جنگ باعث افزایش کسری شد» بی‌پاسخ نمی‌مانند. اگر قرار باشد تمام افزایش کسری بودجه و تورم ۱۴۰۵ به جنگ نسبت داده شود، ابتدا باید بتوان هزینه‌های اضافه‌شده ناشی از جنگ، تغییر درآمدهای نفتی، کاهش یا افزایش سایر درآمدها و کسری موجود پیش از جنگ را از یکدیگر تفکیک کرد. در غیر این صورت، «جنگ» به توضیحی کلی برای بخشی از مشکلات اقتصادی تبدیل می‌شود که ممکن است واقعاً در آنها نقش داشته باشد، اما به تنهایی نمی‌تواند جایگزین اندازه‌گیری اثر هر یک از عوامل شود.

مسئله امروز این نیست که جنگ اثر اقتصادی داشته یا نه؛ این مسئله روشن است. مسئله این است که پس از اصلاح ارز ترجیحی، منابع حاصل از این اصلاح چه سرنوشتی پیدا کرده، هزینه مالی سیاست جدید چقدر بوده و چه سهمی از کسری و تورم موجود را می‌توان به جنگ و چه سهمی را باید به ناترازی‌های پیش از آن نسبت داد؟ اگر پاسخ، جنگ است، باید عدد آن را نشان داد و اگر جنگ پاسخ کامل نیست، سؤال اصلی همچنان پابرجاست: از ارز ترجیحی حذف شد، کسری بودجه ماند، تورم بزرگ‌تر شد؛ پس دقیقاً چه چیزی قرار بود اصلاح شود و چرا هنوز صورت‌حساب روشنی از نتیجه این اصلاح روی میز نیست؟

وزارت صمت باید پاسخگوی وضعیت آشفته بازار خودرو

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با بیان اینکه در حوزه خودرو با سیکل ثابت خالی فروشی، تجمع مقابل وزارت صمت و ارجاع به دادگاه و در نهایت استفاده از عنوان مال‌باخته برای متقاضیان مواجه هستیم، گفت: ما باید در جلسه با مسئولان دستگاه قضایی تخلفات حوزه خودرو را به‌طور جدی بررسی و پیگیری کنیم.
سید احسان قاضی‌زاده هاشمی، در جلسه کمیسیون صنایع و معادن به‌حضور مسئولان حوزه خودرو و مالکان خودرو سازی‌ها برگزار شد؛ ضمن انتقاد از ترک فعل مسئولان در حوزه خودرو که باعث آشفته‌گی بازار شده است، گفت: وزیر صمت باید گزارشی مکتوب مبنی بر ترک فعل بانک مرکزی به کمیسیون صنایع و معادن مجلس ارائه دهد و اعلام کند که این بانک برای اجرای قانون واردات خودرو همکاری نکرده است ضمن اینکه ما هم از طریق دیوان محاسبات این موضوع را پیگیری خواهیم کرد.

نماینده مردم سرخس، فریمان و بخش‌های احمدآباد و رضویه در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: وزارت صمت برای حوزه خودرو، نقشه راه واحدی ندارد که ما اینکه کمیته‌های متعددی در این حوزه در این وزارتخانه فعال هستند و یک سامانه اتونوین و یک سامانه مگفا برای ثبت‌نام خودروهای وارداتی راه‌اندازی شده‌است ضمن اینکه مشخص نیست این سامانه‌ها بر اساس چه مجوزی و توسط کدام بخش‌ها ایجاد شده‌است. وی با اشاره به پرونده‌های قضایی تشکیل شده در حوزه خودرو، تصریح کرد: ما باید نشتی نیز با مسئولان دستگاه قضایی اعم از سازمان بازرسی و شعب رسیدگی کننده به پرونده‌های مرتبط با حوزه خودرو داشته باشیم چرا که رویه‌های متعدد و متفاوتی برای رسیدگی به این پرونده‌ها در جمع گزارشات بازرسی و شعب مربوطه مشاهده می‌شود.

قاضی‌زاده هاشمی خاطرنشان کرد: تجمع‌های مقابل وزارت صمت در اعتراض به تخلفات حوزه خودرو و یک سیکل ثابت تبدیل شده است اعم از خالی فروشی، برگزاری تجمع هدایت‌شده، ارجاع شکایات به دادگاه که رسیدگی به آنها پیش از دو سال به طول می‌انجامد و پول متقاضیان بر براه می‌رود و در نهایت عنوان مال‌باخته برای آنها استفاده می‌شود یعنی اتفاقی که در این سیکل می‌افتد به‌طور مداوم در حال تکرار است.

